



## استاد دانشگاه علامه طباطبایی در گفت‌وگو با «جوان»:

# فمنیزه گردن سیاست در راستای هدف امریکایی‌سازی جهان است

■ زهرا فمینزی

رقابت هیلاری کلینتون و ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا نخستین ورود زنان به عرصه سیاست در سطح ریاست جمهوری نبود؛ پیش از این در بسیاری از کشورهای دنیا زنان تا سطح ریاست جمهوری در حوزه سیاست خود را بالا کشیده بودند. دیلما روسف رئیس جمهور پیشین برزیل، کر یسیتینا فرناندز رئیس جمهور سابق آرژانتین و آنگلا مر کل صدراعظم آلمان نمونه‌هایی از زنانی هستند که به دنیای سیاست راه یافتند و در بالاترین سطوح نقش آفرینی کر دند. سال‌هاست شاهد

راه باز مطلوب خود بهره‌گیری می‌کند.

به عبارت دیگر، سرمایه‌داری به دنبال استعمار و استثمار اقتصادی کردن جهان با ابزار و پدیده‌ای به نام فمینیزه کردن است. شما همین بازار لوازم آرایشی، بازار لباس و غیره را مورد بررسی قرار دهید، کاملا واضح است که جریان سرمایه‌داری به دنبال خالی کردن جیب مردم است. البته هم جیب مردم و هم فکر و روح مردم، یعنی می‌توان گفت که سرمایه‌داری به دنبال پدید آوردن فرهنگی است که در ید این جریان بوده تا با آنکا به مصرف‌گرایی کالاهای خود را به فروش برساند. در حقیقت می‌توانم بگویم که سود سرمایه‌داری در تقویت فرهنگ مصرف‌گرایی است که برای آن سوزوهای بهتر از زنان در دست ندارد.

**با توجه به توضیحات شما آیا نمی‌توان گفت که ما شاهد شیفت شدن استفاده ابزاری از زنان از ساحت فرهنگ تبلیغاتی به عرصه و حوزه سیاسی هستیم؟**

اگر در همین ایران خودمان نگاهی به دوران قاجار به داشته‌باشیم به دلیل اینکه زنان چندان آگاه و تحصیلکرده نبودند جریان سرمایه‌داری نتوانست اعمال نفوذ و قدرت کند، اما در شرایط امروزین این جریان برای اینکه بتواند حوزه سیاست را هم آلوده کند، این حوزه را به سمت مصرف‌گرایی پیش می‌برد. به بیان دیگر می‌خواهند به عرصه سیاست رنگ و لعاب لوکس بدهند؛ به شکلی می‌توان گفت ترغیب زنان برای ورود به سیاست در راستای ترویج افکار سازشگرانه است.

**آقای دکتر! آیا می‌توان گفت فمینیزه کردن سیاست با هدف همان سیاست‌های جهانی‌سازی امریکادر حال پیگیری است؟**

فمینیزه کردن عمده‌اش توسط امریکادر حال پیاده‌سازی است ولی این به معنای آن نیست که این اتفاق در بخش‌های دیگر غرب صورت نمی‌گیرد. امریکا به دنبال آن است که هم سیاست و هم فمینیسم را به نام جهانی‌سازی، امریکایی‌سازی کند. هدف امریکا به صورت کلی امریکایی‌سازی اقتصاد، سیاست و… است. به عبارت دقیق باید گفت که جهانی‌سازی به نوعی امریکایی‌سازی است. امروزه به دلیل یک قطبی بودن جهان امریکا از طریق رسانه‌ها، مطبوعات، سینما و غیره به دنبال آن است که اهداف خود را رواج دهد. در مجموع می‌توان



زنان در کشورهای پیرامونی گماشتگان

غرب محسوب می‌شوند و به عبارت تی نگهبانان منافع آن هستند. به طور مثال شما در میانمار می‌بینید که خانم سوچی نگهبان منافع غرب است و به رغم مسائل حقوق بشری که در آنجا وجود دارد و با توجه به عدم خدمت‌آین زن به کشور و زنان خود می‌بینیم به دلیل همین نگهبان بودن منافع اقدامی علیه‌وی از سوی غرب صورت نمی‌گیرد، چرا؟ چون خانم سوچی سنگت غرب را همواره به سینه می‌زند



خود پیش ببرد. به همین خاطر هم در پی زنانی است که بتوانند چنین سیاستی را پیاده‌سازی کنند و در غیر این صورت به رغم تمام شعارهای فمینیستی زنانی که بخواهند در برابر روند فمینیزه کردن سیاست در راستای امریکایی‌سازی بایستند با مواضع قهری جوامع غربی مواجه می‌شوند. «فمینیزه شدن سیاست» موضوعی است که دکتر عباس اسدی در مقاله‌ای ابعاد مختلف آن را مورد واکاوی قرار داده‌است. به سراغ این استاددانشگاه علامه طباطبایی می‌رویم تا مفهوم فمینیزه شدن سیاست اهداف، پیامدها و تبعات آن برای زنان را مورد بررسی قرار دهیم.

گفت که ما در فمینیزه کردن سیاست کاملاً می‌توانیم رگه‌های برجسته امریکا برای تأمین اهداف خود را مشاهده کنیم.

**در بررسی مقالات شما در حوزه فمینیزه کردن سیاست ما با مسئله کشورهای مرکز یا همان جهان اول و کشورهای پیرامونی یا همان در حال توسعه و جهان سوم در خصوص فمینیزم مواجه هستیم. در حالی که از ادعاهای فمینیسم برابری جنسیتی است اما با پیاده شدن پر و سه فمینیزه شدن سیاست، نخستین چیزی که مورد هجوم قرار می‌گیرد موضوع برابری در میان خود زن‌هاست. این نابرابری چگونه اتفاق می‌افتد؟**

فمینیزه کردن سیاست در خودش یک نابرابری دارد. شما با یک بررسی متوجه می‌شوید که در فمینیزه کردن سیاست‌شما می‌توانید ببینید که برخی از زنان کشورهای پیرامونی چشم به دهان کشورهای مرکز دارند و هر آنچه مورد تأکید آنان باشد مورد توجه قرار می‌گیرد. جریان سرمایه‌داری و غرب مشاهده می‌کردید که آنان غرب محسوب می‌شوند و به عبارتی نگهبانان منافع آن هستند. به طور مثال شما در میانمار می‌بینید که خانم سوچی نگهبان منافع غرب است و به رغم مسائل حقوق بشری که در آن جا وجود دارد و با توجه به عدم خدمت این زن به کشور و زنان خود می‌بینیم به دلیل همین نگهبان بودن منافع اقدامی علیه‌وی از سوی غرب صورت نمی‌گیرد. چرا؟ چون خانم سوچی سنگ غرب را همواره به سینه می‌زند.

باید بگویم که اکثریت زنان تا زمانی که منافع سرمایه‌داری و غرب را حفظ می‌کنند به عنوان زن نمونه‌زن شایسته و مترقی از سوی این نظام تعریف و تمجید می‌شوند و به محض تحت انقیاد نبودن می‌شوند زن متحجر و ارتجاعی.

همین مسئله را شما می‌توانید در ماجرای سوریه ببینید. تا پیش از حوادث و بحران سوریه به شما در رسانه‌های جریان سرمایه‌داری و غرب مشاهده می‌کردید که آنان از همسر بشار اسد به عنوان یک زن الگو و موفق نام می‌بردند، اما حین اتفاقات این کشور شروع کردند به پس‌نشینی علیه‌وی. در واقع سرمایه‌داری به دنبال آن است که در جهان سیاست ردپای زنان را داشته باشد و قدرت



# زنان

سرویس اجتماعی ۰۹۸۴۹۸۸۴

**سلسله‌روش‌هایی هست که برخی از سازمان‌ها در راستای توانمندسازی زنان و آموزش مهارت‌ها و در قالب به ظاهر برنامه‌های انسان‌دوستانه، دنبال می‌کنند. آیا این‌روش‌ها به نوعی در چارچوب منویات کشورهای مرکز یا همان کشورهای توسعه‌یافته نیست؟**

بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی به صورت خواسته یا ناخواسته در چارچوب برنامه‌هایی فعالیت می‌کنند که زنان برای آنها حکم ابزار را دارند. اینها به بهانه توانمندسازی زنان در برابر نابرابری جنسیتی به آموزش زنان مبادرت می‌ورزند. آموزش‌هایی که در راستای منافع آنها بوده و برآند نهایی آنها تأمین منافع سرمایه‌داری است. اگر مشاهده می‌شود که در برخی روستاها نیز کارهایی صورت می‌گیرد، این اقدامات در فضای کلی تأثیری ندارد و بخشی از آن نیز برای ردگم‌کنی است.

**آموزش‌های این سازمان‌ها چگونه می‌تواند به فمینیزه شدن سیاست‌دستیابی کشورهای توسعه‌یافته به اهدافشان در کشورهای در حال توسعه کمک کند؟**

آموزش‌های این سازمان اشکال مختلفی دارد. بعضی اوقات آنها می‌آیند خبری را به صورت هدفمند منتشر می‌کنند که به طور مثال فلان زن، به قدرت رسیده، یعنی اینکه زمینه‌سازی می‌کنند که پلن موفقیت و رسیدن به موفقیت بر اساس پیمودن مسیرهایی است که آن زن طی کرده است. از طرف دیگر برنامه‌هایی را برای زنان در نظر گرفته و آموزش‌هایی را ترتیب می‌دهند که به موجب آن زنان می‌آموزند که چگونه به قدرت برسند. طرح میاحتی همچون کمپین‌سازی و امثالهم نیز در همین راستاست. به عبارت دیگر آنها از این طریق مهره‌سازی می‌کنند تا وقتی که این زنان به قدرت رسیدند منافع این جریان را تأمین کنند. باز هم تأکید می‌کنم فمینیزه کردن سیاست ظاهری دارد اما در باطن عواقب منفی‌ای دارد. به گونه‌ای که عواقب این کار دامنگیر زنان خواهد شد. ما می‌گوییم که زن نباید به عنوان کالا و شیء در دست جریان سرمایه‌داری باشد که از آن استفاده ابزاری شود. باید زن و ارزش‌هایش مورد تأکید و توجه قرار گیرد نه اینکه زیبایی و ظرافت وی جهت تأمین منافع جریان سرمایه‌داری مورد استثمار قرار گیرد.

**در راستای این مواردی که فرمودید می‌توان گفت موضوع جراحی‌های زیبایی برخی از شخصیت‌های زن غربی نیز در همین چارچوب است؟ این مسائل برای این‌است که این چهره‌ها و مهره‌ها**



روزنامه جوان | شماره ۵۲۶۸

نادرست مطالبی را در باره افراد در زمینه فساد جنسی و مالی مطرح می‌کنند تا وی را برکنار و فرد جدیدی را جایگزین او کنند.

**پس شما معتقدید رسانه‌ای شدن فسادهای جنسی اخیر در مقامات غربی یک سنار یواست؟**

بله، معتقدم این اخبار و فعالیت‌ها در راستای فمینیزه کردن سیاست است. این اقدامات تلاشی است برای سوزاندن یک مهره و جایگزینی مهرهای دیگر به صورت عمدی. جریان سرمایه‌داری رصد می‌کند که کجا منافعش در شرف از بین رفتن است آن وقت حتی برای افراد اقدام به تله‌گذاری می‌کند.

در زمینه‌او دیدیم که بنا بود همسر رئیس‌جمهور، جاشین‌وی شود. بعد دیدیم که چطور وی را کنار گذاشته و مهره مورد نظر غرب را روی کار آوردند. اینها به نظر من حساب شده است. یعنی این جریان افراد را تا زمانی که در راستای منافع آنان است در قدرت نگه می‌دارند و اجازه انتشار مسائل منفی را نیز علیه‌وی نمی‌دهند، اما به محض آغاز زویه، عدم تأمین منافع و از دست رفتن کارکرد مهره شاهد طرح مسائل مختلف و اتهامات برای کنار گذاشتن آن هستیم.

**شما مخالف حضور زنان در عرصه سیاست نیستید اما در حال بیان این هشدار هستید که ادامه روند فعلی موجب فمینیزه شدن سیاست می‌شود، درست است؟**

معتقدم شرایط امروز کشور نشان می‌دهد که پدیده فمینیزه کردن سیاست دارد اتفاق می‌افتد و پیگیری می‌شود. حالا ممکن است که برخی موافق نظر من باشند و عده‌ای نه.

**آقای دکتر! از طرفی صحبت‌هایی در خصوص شکاف‌های موجود میان زن و مرد می‌شود و از طرف دیگر ما در بحث سبک ایرانی – اسلامی مسئله خانه و خانواده را مورد تأکید قرار می‌دهیم. چطور می‌شود که هم در عرصه سیاسی حضور داشت و هم اینکه به سمت فمینیزه کردن سیاست نفرت؟**

ما داریم خواسته یا ناخواسته زنان را تشویق می‌کنیم که وارد دانشگاه‌ها شوند و درس بخوانند. در حال حاضر حدود ۹۰ درصد دانشگاه‌های ما را زنان تشکیل می‌دهند که اکثر آنها بیکار هستند. وقتی زنان از خانه بیرون آمده وارد عرصه سیاست می‌شوند از محیط خانواده دور می‌شوند. اینها مسائلی است که باید مورد موشکافی قرار گیرند و برای حلشان راهکارهایی داده شود.

متأسفانه ما داریم می‌بینیم که خانواده‌ای به معنای واقعی آن وجود ندارد. الان طلاق عاطفی



در جامعه به حدود ۰.۷۰ درصد رسیده است. همچنین میزان مکالمات روزانه زنان و مردان در خانواده ۵ دقیقه در روز را نشان می‌دهد. عمدتا زنان و مردان هم در شبکته‌های مجازی سرگرم هستند.

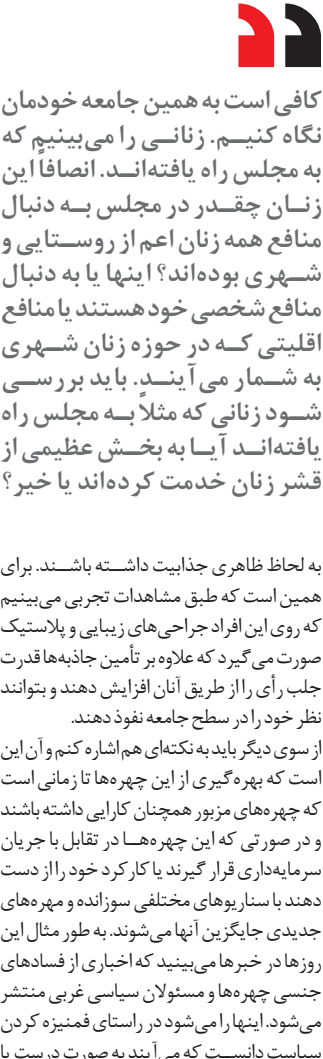
در شرایط فعلی آشپزخانه‌ها مملو از وسایل آشپزخانه است، اما آشپزی تعطیل بوده و بخت و بزی صورت نمی‌گیرد.

از سوی دیگر وقتی از دواج در کشور تجاری می‌گردد، وضع به گونه‌ای دیگری می‌شود. ازدواج‌ها باید بر اساس ارزش‌ها باشد نه اینکه بانگه‌به سبک زندگی غربی به دنبال مصرف‌گرایی باشیم. مثلاً برای فردی که می‌خواهد دختر خود را شوهر دهد، می‌گویند باید سروسوس‌ها و چیزیه‌اش از مارک به خصوصی باشد. حاصل این موضوع چیست؟ قطعاً نتیجه‌اش این می‌شود که جیب سرمایه‌دار پر شود.

به نظرم آینده خوبی قابل ترسیم نیست. به ویژه اینکه غربی‌ها در موضوع فمینیزه کردن در کشورهای جهان سوم و حتی ایران به دنبال انقلاب زنانه هستند. به دنبال این هستند که زنان را به گونه‌ای تحریک و تهییج کنند که اینها به پاخاسته قدرت و براننازند.

**عملکرد مردان را در این حوزه چگونه می‌بینید؟ آیا عملکرد بد مردان هم می‌تواند فمینیزه شدن سیاست در کشور را تشدید کند؟**

در مجموع معتقدم مردان ما هم در جامعه دارند بد عمل می‌کنند و به حقوق خودشان را و نه حقوق زنان را رعایت می‌کنند که این باعث به‌وجود آمدن سرخوردگی‌هایی شده است. معتقدم که فقط حضور زن در جامعه دانشگاه و سیاست نیست از راه‌های دیگری هم زنان می‌توانند در جامعه حضور داشته باشند. نباید شرایط به سمت بهره‌برداری‌های سیاسی برود.



**کافی است به همین جامعه خودمان نگاه کنیم. زنانی را می‌بینیم که به مجلس راه یافته‌اند. انصافاً این زنان چقدر در مجلس به دنبال منافع همه زنان اعم از روستایی و شهری بوده‌اند؟ اینها یا به دنبال منافع شخصی خود هستند یا منافع اقلیتی که در حوزه زنان شهری به شمار می‌آیند. باید بررسی یافته‌اند آیا به بخش عظیمی از قشر زنان خدمت کرده‌اند یا خیر؟**

به لحاظ ظاهری جذابیت داشته باشند. برای همین است که طبق مشاهدات تجربی می‌بینیم که روی این افراد جراحی‌های زیبایی و پلاستیک صورت می‌گیرد که علاوه بر تأمین جاذبه‌ها قدرت جلب رأی را از طریق آنان افزایش دهند و بتوانند نظر خود را در سطح جامعه نفوذ دهند.

از سوی دیگر باید به نکته‌ای هم اشاره کنم و آن این است که بهره‌گیری از این چهره‌ها تا زمانی است که چهره‌های مزبور همچنان کارایی داشته باشند و در صورتی که این چهره‌ها در تقابل با جریان سرمایه‌داری قرار گیرند یا کارکرد خود را از دست دهند یا سنار یوهای مختلفی سوزانده و مهره‌های جدیدی جایگزین آنها می‌شوند. به طور مثال این روزها در خبرها می‌بینید که اخباری از فسادهای جنسی چهره‌ها و مسئولان سیاسی غربی منتشر می‌شود. اینها را می‌شود در راستای فمینیزه کردن سیاست دانست که می‌آیند به صورت درست یا